

بعثت و برانگیختگی

در تقویم‌های سالیانه، روزهایی به میلاد، شهادت یا رحلت شخصیت‌های دینی یا ملی اختصاص داده شده و روزهایی نیز به اعیادی مثل: فطر (شکفتن)، قربان (نزدیک شدن به خدا) و بالاخره عید "مبعث".

مبعث را سالروز برانگیخته شدن پیامبر نامیده‌اند؛ برانگیخته شدن فردی در ۱۴۰۰ سال پیش چه ارتباطی به انسان‌های امروز دارد و چرا مسلمانان همه ساله آنرا جشن می‌گیرند؟ عید فطر و عید قربان متعلق به همه است و پس از کاری همگانی برگزار می‌شود؛ در روزه داری همه شرکت می‌کنند و در مراسم حج میلیون‌ها نفر حضور دارند، اما مبعث یادآوری شکوفائی یک پیامبر است، این جشن چه ارتباطی به پیروان آن پیامبر دارد؟

ما فارسی زبان‌ها کمتر به عمق معنای واژه "بعثت" توجه داریم و از ابعاد مفهومی آن غافلیم. اما وقتی در عراق و سوریه خواستند تغییر و تحولی ایجاد کنند، به جای کلمه انقلاب و حزب انقلابی، واژه بعثت و حزب "بعث" را با همان هدفی تأسیس کردند که ما از کلمات: رستاخیز ملی، جنبش، دگرگونی و انقلاب می‌فهمیم.

درست است که ما در سالروز مبعث، برانگیخته شدن فرد برگزیده‌ای را جشن می‌گیریم، اما در حقیقت موضوع "برانگیختگی" را بزرگ می‌شماریم و به صورت فردی و اجتماعی به خود تلقین می‌کنیم در مسیر چنین تحولی قرار بگیریم، پس مبعث جشنی ملی است در بزرگداشت "رستاخیز ملی" و رهایی از هر مانعی که ما را زمین‌گیر و اسیر کرده است. بعثت به گُل نشستن غنچه وجودی و شکوفا شدن (Flourish) آدمی است.

واژه "بعث" که از کلمات کلیدی قرآن است و جمعاً ۶۷ بار در این کتاب تکرار شده، نوعی "بیدار شدن از خواب" را می‌رساند که بر حسب مدت و نوع خواب و بیداری و مقصودی که از بیداری مورد نظر است، تفاوت می‌کند:

الف - خواب جسمی (ظاهری)

۱- بیدار شدن از خواب شبانه یا نیمروز و رفتن به سوی کار و کسب

انعام ۶۰ - وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ ...

اوست که در خواب شب، (آگاهی) شما را بر می‌گیرد در حالی که از آنچه در روز کرده‌اید آگاه است (با خواب رفتنتان اطلاعات از بین نمی‌رود)، سپس شما را بامدادان (مجدداً) مبعوث (بیدار) می‌کند...

۲- بیدار شدن از خوابی طولانی در دنیا (از جمله خواب ۳۰۹ ساله اصحاب کهف و خواب ۱۰۰ ساله عزیز) (۱)

کهف ۱۹ - وَكَذَلِكَ بَعَثْنَا لَهُمْ لَيْسَاءَ لَوَا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ ...

و ما این گونه (اصحاب کهف را) بیدارشان کردیم تا از هم بپرسند که چقدر (در غار) درنگ کردیم؟...

۳- بیدار شدن بیداری از خواب گران مرگ در روز رستاخیز و روان شدن به سوی سرنوشت (۲) مثل:

مؤمنون ۱۶ - ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ...

سپس شما در روز قیامت مبعوث می شوید....

ب - خواب روحی (باطنی)

۱- بیدار شدن (بعثت) یک فرد در یک جامعه خفته و بی‌خبر (پدیده پیامبری) برای هشدار بخشیدن به خفتگان (۳)

جمعه ۲ - هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ ...

اوست که در میان مردم آموزش ندیده، پیامبری از خودشان برانگیخت...

۲- بیدار و برانگیخته شدن فرد با شب زنده داری و راز و نیاز با معبود

اسراء ۷۹- وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا

پاسی از شب را، اضافه بر فریضه واجب، (داوطلبانه) به نماز شب بیدار باش؛ چه بسا پروردگارت تو را به مقامی ستوده مبعوث نماید (ارتقاء دهد).

۳- برانگیختگی استثنائی یک فرد توسط پروردگار برای انجام مأموریتی (مثال طالوت)

بقره ۲۴۷- وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا....

پیامبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را به عنوان ملک (فرمانده جنگ) برای شما انگیزه است

ج- بیداری و بروز استعدادهای نهفته در فرد یا جامعه

۱- برانگیخته شدن عذاب و بروز آسیب‌های اجتماعی (فقر، فحشاء، دزدی، اعتیاد، خشونت، خیانت و...)

انعام ۶۵- قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۚ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

(ای پیامبر به مردم) بگو او قادر است که بر شما عذابی برانگیزد؛ از بالاسر شما، از زیر پایتان، یا لباس تفرقه بر شما بپوشاند و خشونت یکدیگر را بچشید. ببین چگونه آیات را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، بسا که دریابند

۲- بیدار شدن و از کُمون در آمدن زمینه‌های ظلم و ستم در جامعه و توسعه و گسترش آن به شهروندان

اعراف ۱۶۷- وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيُبَعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ...

آنگاه که پروردگارت اعلام کرد تا روز رستاخیز کسی را بر آنان (قوم متمردها) بر می‌انگیزد که به سختی آزارشان دهد...

شمس ۱۲- كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا

قوم ثمود، آنگاه که ستیزه‌گر ترنیشان برانگیخته شد، با طغیانشان (گفته‌های پیامبرشان را) تکذیب کردند

۳- به فعلیت رسیدن استعدادهای خیر و شر درونی انسان در زندگی دنیا

مطففین ۴- أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

آیا (کم فروشان و فریبکاران) گمان نمی‌دارند که (هم اکنون) در حال برانگیخته شدن برای روز عظیمی (قیامت) هستند؟

از میان سه بخش فوق، در این مختصر تنها به بخش "ج" که اشاره به معضلات اجتماعی دارد و در ۳ تقسیم‌بندی تعریف شده است می‌پردازیم:

در ردیف نخست (انعام ۶۵) عذاب را که همان درد محرومیت از راحتی و رفاه است، در چهار نوع نابسامانی (عذاب) و آسیب اجتماعی به شرح ذیل تبیین کرده است:

۱- آسیب از بالا (عذاب آسمانی یا زورگویی جباران از بالاسر ملت) عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ

۲- آسیب از پائین (عذاب زمینی یا زورگویی گروه‌های فشار و عناصر شرور جامعه) مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ

۳- آسیب تفرقه در جامعه و متلاشی شدن وحدت (يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا)

۴- آسیب بروز خشونت و خون و خرابی در جامعه (وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ).

زمینه‌های ظلم و ستم، زیاده‌طلبی و زورگویی در هر جامعه‌ای همچون میکرب بیماری "سل"، است که سال‌ها در خفا و حالت خفته (هاگ) به سر می‌برد، اما وقتی مبعوث و منتشر شد، همه راه‌های تنفسی جامعه را می‌بندد و ملت را گرفتار آنچنان خفقانی

کند که هیچکس از آن مصون نمی‌ماند. آیات فوق جامعه را از بعث (بروز و برانگیخته شدن) چنین میکرب‌هایی هشدار داده تا با آگاهی و آفت‌زدایی این بیماری مهلک را درمان کنیم.

در ردیف دوم از دو تجربه تاریخی برای نشان دادن نمونه و مصداق دامنگیر شدن این "عذاب"، که ناشی از عملکرد خود مردم است، هشدار داده است؛ در اولی (اعراف ۱۶۷) سلطه یافتن مستبدینی را که دمار از روزگار مردم در می‌آوردن نشان می‌دهد. همان مردمی که با خودداری از انتقاد و اعتراض به حاکمان ظالم، موجبات قدرت یافتن آنان را فراهم می‌سازند.

در آیه دوم از قوم ثمود یاد می‌کند که آنها نیز با محافظه کاری و ترس و تردید و تعطیل فریضه "امر به معروف و نهی از منکر" موجب طغیان "اشقیاء" (اشرار خشونت طلب) شدند و جامعه را به سقوط کشاندند.

در سومین ردیف (مطففین ۴) تصریح می‌کند که همه ما در مدت عمر خود در زندگی دنیا در حال مبعوث شدن برای روز عظیمی هستیم که سرنوشت هرکس برحسب اعمال زندگی‌اش تعیین می‌گردد.

همان طور که گفته شد، "بعثت" انسانها برای مبارزه با ناپسانی‌ها، آفات و آسیب‌های اجتماعی (بعثت بدی‌ها) است و هر تلاش و تکاپویی که برای سلامت روح و روان یک جامعه انجام شود در مسیر و امتداد همان بعثت انبیاء می‌باشد.

جنبش سبز ایران نیز درون مایه‌ای از جنس بعثت دارد. اصولاً رنگ سبز نمادی از سبز شدن دانه و سرکشیدن به آسمان است. و مگر دانه چیست جز استعدادی بالقوه در دل خاک که به شوق خورشید شکافی از مدفن تنگ و تیره خویش می‌گشاید و با آزاد کردن خود از سنگینی خاک به تماشای افلاک می‌نشیند. و مگر معنای بعثت جز همین برانگیخته شدن و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه و سبز شدن و آزاد گشتن از خفقان خاک و تنفس در هوای بدون تعصب و تنگ نظری نیست؟

اما نهال سبز بسیار شکننده و نازک است. چمنی است که چهارپایان در آن می‌چرند تا خود را پروار کنند. باید سطبر و بر ساق خویش استوار گردد تا راحت از گلوی گله‌های رها شده پائین نرود و حیوانات هوس پامال کردن و خوردنش نکنند.

این توصیفی است که قرآن از سرور سبزهای عالم و سبز خویان همراهش کرده است:

فتح ۲۹- "محمد رسول خدا و کسانی که با اویند، در برابر حق ستیزان سخت مقاوم و میان خویش بسیار مهربان‌اند. مثال آنها (در عالم گیاهان) همچون زرعی است که جوانه‌اش از زمین خارج ساخته و با سخت و سطبر ساختن‌اش بر ساقه خویش استوار ایستاده است...."

اینک جنبش سبز، به رغم لگدکوب شدن جوانانش در زیر چکمه‌های ستم، از زمین تعصب و تحجر سر زده است. باید جوانه‌های شکسته را تکیه گاه شد، پایمال شدگان را پیوندی تازه زد، و چمن را دائماً آبیاری و تقویت کرد. باید جوانه‌ها را از فرورفتن مجدد در خاک خفقان بیم و به نور و گرمای خورشید آزادی بشارت بخشید.

تفاوت سبز شدن گیاه و انسان در تعقل و اندیشه است؛ اولی به هدایت غریزی و دومی به هدایت عقلی شکوفان می‌شود. چنین است که به گفته امام علی^(ع): "پیامبران مبعوث شدند تا گنجینه‌های عقول مدفون شده در زیر خاک بی‌خبری را زیر و رو کنند (...). و بیثروا لهم دفائن العقول). نهضت سبز نیز بر آن است تا به جای تقلید و سرسپردگی به قدرت‌های مطلقه، به عقل و اندیشه خداداد تکیه کند.

جنبش سبز باید از تجربه تلخ و تفرقه افکنانه ۳۲ سال گذشته در تبدیل تدریجی شعار "همه باهم" به "همه با من" درس بگیرد و از تکرار "خودی و ناخودی" کردن بپرهیزد. قربانیان از همه طبقات و طیف‌های اجتماعی هستند و میراث خون پاک آنان متعلق به همه ملت است. خون و خرابی و خسارتی که در این مدت حاصل شده باید برای ما کافی باشد. راه وصول به هدف اصلی همان بازگشت به شعار «همه با هم» و نفی سیاست‌های «همه با من» است.

ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم (اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان میکند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد)

۱- آیات: بقره ۵۶ و ۲۵۹ و کهف ۱۲ و ۱۹

۲- از ۶۷ باری که واژه "بعثت" در قرآن آمده است، بیش از نیمی از آن، یعنی ۳۵ آیه (حدود ۵۳٪) ناظر به برانگیخته شدن در روز قیامت است

۳- واژه بعثت به معنای برانگیخته شدن پیامبران و مصلحین در جوامع منحل، ۱۸ بار (حدود ۲۶٪) در قرآن به کار رفته است که پس از معنای رستاخیز آخرت از نظر آماری در ردیف دوم قرار دارد